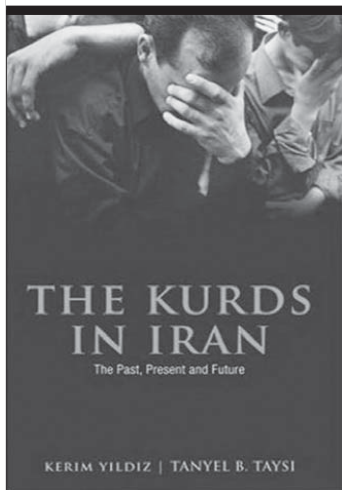


کردها در ایران: مروری بر گذشته، حال و آینده

نویسندگان: کریم یلدیز و تانیل. ب. تایسی

معرفی و نقد: فاطمه هموئی*

Kerim Yildiz & Tanyel. B Taysi, THE KURDS IN IRAN: AN OVERVIEW: The Past, Present and Future, LONDON: Pluto Press, 2007. pp141



رویکردها در عرصه سیاست تطبیقی است و به تجزیه و تحلیل روابط پیچیده میان دولت و دیگر بازیگران دولتی و غیردولتی می‌پردازد. کردها ملت مشخصی را شامل می‌شوند که دارای فرهنگ و زبان مشترک هستند. با وجود اینکه

هویت کردی واحدی وجود ندارد و زبان کردی از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت است، کردها در کلیتی واحد، فرهنگی متمایز از همسایگان خود به نمایش می‌گذارند. این کتاب به بررسی گذشته، حال و آینده کردهای ایرانی پرداخته، نقش نیروهای منطقه‌ای و بین‌المللی را در شکل‌گیری این تاریخ و نیز آینده کردهای ایران را مورد کند و کاو قرار می‌دهد.

کردهای ایران

در فصل اول، نویسنده کلیاتی درباره بافت قومیت‌ها در ایران بیان می‌کند. کردها با جمعیت ۷ تا ۹ میلیون

مقدمه

کتاب حاضر یکی از اولین و جامع‌ترین آثار در رابطه با وضعیت کردها در ایران می‌باشد. نویسندگان، مروری کامل بر مسائل پیش روی کردها در ایران داشته و چگونگی تاثیرپذیری آنها از تغییرات ژئوپولیتیکی منطقه و نیز دولت‌های همسایه را مورد کند و کاو قرار می‌دهد. همچنین سابقه تاریخی توسعه ایران را از زمان جنگ جهانی اول، انقلاب ۱۳۵۷، جنگ ایران و عراق و سیاست‌های جدید اتخاذ شده در قبال جمعیت کردها را نقد و بررسی می‌کند. بعلاوه، وضعیت حقوق بشر در ایران، خصوصاً وضعیت اقلیت‌های قومی و زنان را به تصویر کشیده و به تفصیل شرح می‌دهد. یلدیز و تایسی سپس رابطه ایران را با همسایگان خود و نیز با جهان غرب توضیح داده، به پیامدهای به قدرت رسیدن آقای احمدی نژاد و تأثیر آن بر دولت اسلامی و حقوق بشر در ایران اشاره می‌کنند. در نهایت، چشم‌اندازهای آینده ایران و تاثیرات حل و فصل مسئله کردهای ایران بر آینده پیش روی منطقه و نیز سیات خارجی و روابط ایران با جامعه بین‌الملل را به تصویر می‌کشند. لازم به ذکر است که این اثر به لحاظ نظری، رویکرد دولت - جامعه را مبنای کار قرار می‌دهد که یکی از اصلی‌ترین

* کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

جهانی اول، دوران شکل‌گیری جمهوری مهاباد، دوره مصدق، انقلاب اسلامی ایران و نهایتاً جنگ ایران و عراق.

نویسنده در فاز اول استدلال می‌کند خلاء قدرت مسلط منطقه‌ای که بعد از جنگ جهانی اول به وجود آمده بود، فرصت مغتنمی در اختیار کردها قرار داد تا خود را از سیطره هژمونیک قدرت‌های منطقه‌ای بیرون بکشند. سپس به نزاع‌های قبیله‌ای میان کردها و آذری‌ها اشاره می‌کند و اینکه چگونه شورش اسماعیل سیمیتقو در سال‌های ۱۹۲۰ در راستای تأسیس یک ملت دولت کرد زبان که اولین تلاش جدی کردها جهت ایجاد یک دولت مستقل کرد بود، توسط نیروهای رضا شاه سرکوب شد. در ۱۹۴۶، ترکیب نیروهای سیاسی داخلی و منطقه‌ای در ایران، کردها را به سمت شکل‌دهی به یک جنبش ملی‌گرایانه تحت عنوان جمهوری مهاباد سوق داد که از جدی‌ترین چالش‌ها برای اقتدار دولت ایران محسوب می‌شد.

در فاز دوم، بستر ژئوپولیتیکی ایران مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. بدین ترتیب که ایران در آن بازه زمانی متأثر از جنگ جهانی دوم بوده و کشور چندپاره شده بود. شاه با پسر ۲۱ ساله‌اش جایگزین شده و شوروی، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا کنترل کشور را به دست گرفته بودند. شوروی سعی در متحد کردن کردها و ترک‌ها داشت.

در فاز سوم، با روی کار آمدن محمد مصدق، یک جنبش ملی که اساس آن خودکفایی و مبارزه با امپریالیسم بود، در اوائل سال‌های ۱۹۵۰ شکل گرفت که مورد حمایت کردها واقع شد. در ۱۹۶۴، تعدادی از افراد حزب دموکرات کرد ایران، به مبارزه نظامی علیه رژیم شاه دست زدند، اما در درگیری‌هایی که به وقوع پیوست بیش از ۵۰ نفر از اعضای آن نابود شدند. بعد از این حرکت ناموفق، افراد حزب دموکرات کردستان استراتژی خود را درباره عملیات پارتیزانی تغییر دادند. در این مقطع، اتحادی میان بارزانی و شاه ایران شکل

نفر، ۱۲ تا ۱۵ درصد جمعیت ایران را تشکیل داده و بعد از آذری‌ها، دومین قومیت بزرگ ایران را تشکیل می‌دهند. سپس به معرفی مناطق کردنشین ایران تحت عنوان کردستان ایران می‌پردازد که مرکز کردستان، شمال آذربایجان غربی و جنوب کرمانشاه را دربرمی‌گیرد. با وجود اینکه جامعه کردهای ایران به لحاظ تاریخی، از ساختار قبیله‌ای برخوردار بوده‌اند، اما هیچ‌گونه همگونی فرهنگی میان آنها وجود ندارد. به لحاظ بافت مذهبی، کردها اکثراً مسلمان شیعه یا سنی هستند و از آنجایی که اکثریت را شیعه‌ها تشکیل می‌دهند، کردهای سنی خود را موضوع تبعیض مضاعف تلقی می‌کنند

چرا که هم به لحاظ قومی و هم مذهبی در اقلیت قرار دارند.

نویسنده سپس خاطرنشان می‌کند در قیاس با ترک‌ها و عرب‌ها، کردها پیوندهای عمیق‌تر و محکم‌تری با فارسی‌زبانان ایران دارند زیرا دارای پیشینه تاریخی و زبان مشترک هستند. در

این فصل، علاوه بر توصیف وضعیت کردها در گذشته، حال و آینده، موقعیت سیاسی و فرهنگی کردها در زمان‌های مختلف مورد تحلیل قرار گرفته و در نهایت تصویری روشن از چگونگی تغییر موقعیت آنها و نیز ماهیت این تغییرات ارائه می‌شود.

سابقه تاریخی

فصل دوم کتاب، مروری بر تاریخ کردستان "مدرن" داشته و به ارزیابی ماهیت روابط میان دولت‌های ایران و کردها می‌پردازد. در این راستا، پنج فاز زمانی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد: دوران پس از جنگ

کتاب حاضر یکی از اولین و جامع‌ترین آثار در رابطه با وضعیت کردها در ایران می‌باشد

اقلیت‌های قومی و مذهبی دیگر را نیز تشریح می‌کند. در این بخش، کارکرد دقیق هر یک از این ساختارها بررسی شده است.

بعد از تجزیه و تحلیل ساختارهای قدرت در ایران، به تبیین وضعیت حقوق بشر و اقلیت‌ها پرداخته شده و عنوان می‌شود که به طور کلی در سال‌های پیش از انقلاب ۱۹۷۹، وضعیت اقلیت‌های قومی و مذهبی در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بسیار وخیم بوده است.

در فصل چهارم، نویسندگان به بررسی روابط پیچیده برون مرزی کردهای ایران و کشورهای

همسایه می‌پردازند و بر این باورند که که همواره نفوذ دولت‌های منطقه، موجب ایجاد تفرقه میان کردها شده است، از این رو کردها هرگز موفق به دستیابی به یک هویت ملی مخصوص به خود نشده‌اند. در اینجا سابقه تاریخی تعارض و همکاری میان کردها به تفصیل تشریح شده و

استدلال می‌شود که ریشه کشمکش و اختلاف میان کردها، تنها مرزها نبوده، بلکه تفاوت‌های موجود درون قبیله‌ها و تنش‌های میان کردهای قبیله‌ای و غیر قبیله‌ای، به افزایش رویارویی میان کردها دامن می‌زند.

فصل پنجم به تحلیل ژئوپولیتیک منطقه‌ای کردهای ایرانی اختصاص دارد. مسئله کردها مهم‌ترین دلیل وجودی شکل گرفتن روابط و سیاست خارجی کشورهای منطقه، خصوصاً ترکیه، ایران و سوریه بوده است. در اینجا رابطه بین ایران و ترکیه به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته و اشاره می‌شود که

گرفت که شورش کردها علیه دولت مرکزی را دشوار می‌کرد. در سال ۱۹۷۵ با امضای قرارداد الجزایر بین ایران و عراق، پارتیزان‌های کرد از سوی دو کشور هرچه بیشتر تحت فشار قرار گرفتند.

در فاز چهارم، وقوع انقلاب اسلامی در ایران و تاثیر آن بر کردها، مورد بررسی قرار گرفته است. کردها از انقلاب حمایت کردند و سقوط شاه را به مثابه فرصتی برای کسب خودمختاری بیشتر (نسبت به جمهوری مهاباد) تلقی کرده و درخواست ۸ ماده‌ای خود را به امام خمینی (ره) ارائه کردند که این این پیشنهادات با مخالفت ایشان روبه‌رو شد. در ۱۹۷۹، سه گروه کردی برای دستیابی به خودمختاری به مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران اقدام کردند این گروه‌ها عبارت بودند از: حزب دموکرات کردستان ایران، حزب کومله که ریشه مارکسیستی داشت و گروه شیخ عزدان حسینی که یک روحانی سنی بود. چگونگی عملکرد این سه نیرو، به تفصیل در این قسمت تشریح می‌گردد.

در فاز پنجم، جنگ ایران و عراق مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. جنگ ایران و عراق که در ابتدا به عنوان یک فرصت برای کردها تلقی می‌شد، به سرعت به یک تهدید تبدیل شد و کردهای ایرانی در داخل و خارج کشور به انزوا کشانده شدند. در این قسمت نقش کردها در جنگ ایران و عراق، عملیات‌هایی که کردها در این دوره علیه نیروهای نظامی ایران انجام دادند و ارتباطات درون گروهی کردها در این مقطع زمانی به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین نویسنده، تاثیری را جنگ در مناطق کردنشین ایران برجای گذاشت تشریح کرده است.

موضوع فصل سوم، سیاست دولت ایران در قبال کردها می‌باشد. در اینجا سابقه تاریخی رفتار دولت ایران با کردها به تفصیل شرح داده شده است. نویسنده بعد از مرور سابقه تاریخی رویکرد حکومت ایران به کردها، ساختارهای قدرت در جمهوری اسلامی را مورد کند و کاو قرار داده، وضعیت

این اثر به لحاظ نظری،

رویکرد دولت - جامعه را

مبنای کار قرار می‌دهد که

یکی از اصلی‌ترین رویکردها

در عرصه سیاست تطبیقی

است

اجتماعی کردها در ایران می پردازد.

نقد و بررسی کتاب

کتاب فوق، با مروری تاریخی که بر وضعیت کردها از گذشته تا کنون دارد، شناخت نسبتاً کاملی در رابطه با مسائل کردها در ایران و خارج مرزهای ایران به دست می دهد، هر چند در برخی قسمت ها دارای کاستی هایی نیز هست.

هرچند نویسندگان سعی کرده اند رویکرد بی طرفانه ای داشته باشند اما به دلیل کرد بودن "یلدیز" احساسات نهفته وی در برخی نوشته ها و نتیجه گیری ها و شرح حوادث خود را آشکار می سازد. نویسندگان کتاب، عمدتاً مسئله کردهای ایران را در خارج از مرزهای سرزمینی ایران بررسی کرده اند و خود نه در ایران زندگی کرده و نه زندگی کردهای ایرانی را از نزدیک لمس کرده اند. پژوهش آنها عمدتاً پژوهشی کتابخانه ای محور بوده و البته بسیاری از منابع تحلیلی آنها از سوی کردهای خارج از ایران است که نگاهی مغرضانه به دولت های و سیاست های آن دارند.

در فصل دوم، فزبندی های پنج گانه دقیق نیست و دوران انقلاب را تنها محدود به دوره جنگ کرده است، در حالیکه چند دوره تاثیرگذار دیگر نیز وجود داشته است از جمله دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، دوران خاتمی و دوران احمدی نژاد که هریک از این دوره ها تمایزات خاصی در خصوص سیاست های دولت مرکزی در قبال کردها داشته است.

در فصل چهارم، عدم تعاملات و اتحاد سیاسی کردها را به فقدان هویت ملی تعبیر کرده اند که این دو مقوله متفاوت از هم هستند. هویت فراگیر کردی وجود دارد اما اتحادهای حزبی بین کردهای کشورهای مختلف کم رنگ است.

هرچند نقدهایی را بر این کتاب می توان وارد کرد، اما برخی از داده های این کتاب در خصوص تحولات

این رابطه از زمان پایان جنگ جهانی اول، همکاری جویانه بوده و در قالب عقد قراردادها و معاهدات مختلف نمود یافته است. بعد از انقلاب اسلامی ایران، روابط میان ایران و ترکیه اساساً دگرگون شد و ترکیه موضع محتاطانه ای در قبال ایران اتخاذ نمود. نوع این روابط و پیامدهای این تغییر رویکرد، به تفصیل شرح داده می شود.

سپس رابطه ایران و عراق مورد کند و کاو قرار می گیرد. مسئله کردها تا حد زیادی روابط میان دو کشور را تحت تاثیر قرار داده است. از زمان سقوط رژیم سلطنتی در عراق در سال ۱۹۵۸، این موضوع به عنوان برگ برنده دو کشور به کار گرفته شد. تهران مسئله کردها را به عنوان سلاح سیاسی قدرتمندی علیه بغداد تلقی می کرد و عراق نیز با محاکمه بارزانی، اهداف منفعت جویانه خود را دنبال می نمود. در پایان این فصل، تحولات ژئوپولتیکی پس از جنگ آمریکا با عراق مورد بررسی قرار

گرفته است. این تغییرات نه تنها به برهم خوردن موازنه قوا در منطقه منجر شد، بلکه کردها و روابط خارجی ایران با همسایگان خود و نیز ایالات متحده و اتحادیه اروپا را متأثر ساخت. این پیامدها و تأثیرات آنها بر روابط این کشورها و نیز اهمیت ژئواستراتژیک مسئله کردها و مناطق کردنشین، به صورت مبسوط تشریح شده است.

در فصل ششم، روابط ایران با غرب و سازمان ملل متحد مورد بررسی قرار گرفته است. در این فصل به صورت مبسوط حقوق اقوام در ایران تشریح شده است. فصل هفتم و آخر نیز به نوزایی تفکر سیاسی و

جنگ ایران و عراق

که در ابتدا به عنوان

یک فرصت برای کردها

تلقی می شد،

به سرعت به یک تهدید

تبدیل شد



مناطق کردنشین ایران و خارج از ایران بسیار بدیع است. به عنوان مثال، اطلاعاتی که کتاب حاضر درباره نقش کردها در دوره جنگ ارائه کرده کمتر در منابع دیگر می توان مشابه آن را پیدا کرد، هر چند که رویکرد نویسندگان به این مقطع، جانبدارانه و تاحدی نیز مغرضانه بوده است. با وجود این، مطالعه این کتاب می تواند تصویر کلی از فراز و فرود کردهای ایران و منطقه را نشان دهد.